



وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

د کډوالو او راستنېدونکو چارو وزارت

ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

آمریت ارتباط عامه

## بولتن خبری News Bulletin

15 دلو\_ سال 1399





### فهرست مطالب

صفحه	عناوین
4-----	وزیر مهاجرت یونان: ما در حال گسترش اردوگاه کاراتیپه هستیم(مهاجر نیوز)
5-----	به 96 خانواده در غور مساعدت نقدی صورت گرفت ( ویب سایت وزارت)
6-----	دهکده کودکان "اس او اس": پناهجویان باید در همه کشورها شامل برنامه های واکسیناسیون شوند
7-----	244 خانواده بیجا شده در قندهار از مساعدت نقدی مستفید شدند ( ویب سایت وزارت)
8-----	انجمن امدادی کلیسای در آلمان خواهان کمک به مهاجران در بوسنیا شد(مهاجر نیوز)
10-----	خان چهار باغ ولسوالی ای در فاریاب که تنها یک قابله دارد ( رادیو آزادی)
13-----	کاوه؛ گوی نسل نامراد ( هشت صبح)



## متن کامل اخبار

### وزیر مهاجرت یونان: ما در حال گسترش اردوگاه کاراتیپه هستیم (مهاجر نیوز)

وضعیت در اردوگاه پناهجویان کاراتیپه در جزیره لیسبوس یونان به قول نوتیس میتراکیس وزیر مهاجرت یونان، عمدتاً بهبود یافته است. او گفته است که "اکنون خواسته های که مبنی بر ایجاد تشناب های بیشتر و موجودیت حمام در این اردوگاه بود برآورده ساختیم."

نوتیس میتراکیس وزیر مهاجرت یونان گفته است مشکلاتی را که پناهجویان با فرا رسیدن فصل زمستان با آن در این اردوگاه روبرو بودند تا حدی برطرف گردیده است.

یک خانواده پناهجوی افغان که در این اردوگاه در حال حاضر زندگی میکند، برای مهاجر نیوز گفت که تغییرات آمده است اما کافی نیست. مادر این خانواده که نمی خواهد نام اش افشا شود گفت که "در سه منطقه کمپ حمام ها برای زنان و مردان ایجاد شده اند و با آب گرم مجهز اند. همچنین در هر منطقه ۱۰ تشناب برای زنان و ۱۴ تشناب سیار برای مردان گذاشته شده اند که در مجموع ۳۰ تشناب برای زنان و ۴۲ تشناب برای مردان در نظر گرفته شده است."

این خانواده همچنین می گوید که هنوز هم کار در اردوگاه جریان دارد و تلاش می گردد با جغله اندازی و بلند کردن سطح زمین جلو جمع شدن آب باران در داخل کمپ را بگیرند. تصاویر دیروز از داخل کمپ نشان می دهند که هنوز هم آب باران به ویژه در ساحه که تشناب های سیار گذاشته شده اند جمع می شود.



اردوگاه کاراتیپه بعد از بارش شدید باران (۱ فبروری ۲۰۲۱)

او در ادامه گفته است که اردوگاه کارتیپه که بعد از آتش سوزی اردوگاه موریای ایجاد شد، در جریان که مردم در این اردوگاه جدید زندگی می کنند باید گسترش پیدا می کرد و آماده می شد. این کار ساده ای نیست.

خانواده افغان نیز تایید می کند که تغییرات در اردوگاه آمده است اما هنوز هم پناهجویان با مشکلاتی زیادی دست و پنجه نرم می کنند. مادر این خانواده می گوید که تشناب ها به دلیل استفاده زیاد و میزان بالای پناهجویان در این کمپ، بسیار کثیف اند. او می گوید قبلا تشناب ها روز یکبار اما حالا روز دوبار پاکسازی می شوند. اما هنوز هم بسیار کثیف هستند".

نوتیس میتاراکیس وزیر مهاجرت یونان ضمن مصاحبه با رسانه «زین آنلاین» گفت: «برنامه بعدی ما ساخت پنج اردوگاه جدید و مدرن در جزایر است، تا زمستان سال آینده شرایط بهتر شود.» وزیر مهاجرت یونان می گوید که با این حال، نمیتوان یک سیستم پذیرش برای شمار از حد زیادی از مردم ایجاد کرد. در حال حاضر ۱۵ هزار پناهجو و مهاجر حضور دارند.

این وزیر به جواب سوالی در مورد عقب راندن اجباری پناهجویان در آب ها گفت: «یک گروه کاری آژانس محافظت از مرزهای اتحادیه اروپا، تحقیقاتی انجام داده است و اقدامات غیر قانونی به منظور عقب راندن پناهجویان را رد کرده است.»

اما میتاراکیس در ادامه می گوید که "مثل هر کشور دیگری ما این حق را داریم که از مرزهای ما محافظت کنیم و ما این کار را مطابق با مقررات اروپا و حقوق بین الملل انجام می دهیم

### به 96 خانواده در غور مساعدت نقدی صورت گرفت (ویب سایت وزارت)



پته: د کډوالو او راستنیدونکو چارو وزارت، د جنگلک فابریکی شاته، ۷ ناحیه کابل افغانستان





آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت غور به روز دو شنبه 13 دلو مساعدت نقدی را برای 96 خانواده عودت کننده و بیجاشده ناشی از جنگ و نا امنی در آن ولایت توزیع نمود.

به هر خانواده مبلغ 20 هزار افغانی پول نقد از جانب دفتر ACTED با حضور آمر مهاجرین غور، ریس حوادث، رییس اقتصاد و نماینده این دفتر توزیع شد.

### **دهکده کودکان "اس او اس": پناهجویان باید در همه کشورها شامل برنامه های واکسیناسیون شوند** ( مهاجر نیوز )

دهکده کودکان "اس او اس"، سازمان غیر دولتی کمک به اطفال، انتقاد می کند که بسیاری از کشورهای جهان در استراتژی های واکسیناسیون کرونا، پناهجویان را در نظر نگرفته اند. این سازمان خواستار تغییر در این استراتژی شده است.

سخنگوی دهکده کودکان "اس او اس" امروز سه شنبه (دوم فبروری) گفته است که "بیش از یک سوم از ۱۱۴ کشوری که تاکنون برنامه های واکسیناسیون را تهیه کرده اند، انسان هایی را که در حال فرار اند، شامل برنامه های شان نکرده اند.

از جمله در کولمبیا، پناهجویان حتی به صراحت از برنامه های واکسیناسیون کنار گذاشته می شوند. رئیس جمهور این کشور، ایوان دوکه گفته است، مهاجران از کشور همسایه ونزوئلا که بدون مدرک قانونی در کولمبیا زندگی می کنند، واکسین نمی شوند.

رکود اقتصادی جهانی ناشی از بیماری کرونا وضعیت پناهجویان را بدتر کرده است. بسیاری از آن ها به امکانات ابتدایی دسترسی ندارند و خطر گرسنگی تهدیدشان می کند.

دهکده کودکان در ادامه گفته است: "این که در تطبیق روند واکسیناسیون نیز با پناهجویان به عنوان انسان های درجه دو برخورد می گردد، غیرقابل قبول است".

۸۵ درصد از ۸۰ میلیون نفر در جهان که در حال حاضر در فرار هستند، در کشورهایی با درآمد کم و یا متوسط زندگی می کنند و به این خاطر با چالش های جدی روبرو هستند. این کشورها در تهیه واکسین کافی برای کشور و شهروندان شان با مشکلات عظیمی روبرو هستند. به قول دهکده کودکان "اس او اس"، پناهجویان نیز مانند هرکس دیگری باید این امکان را داشته باشند که واکسین شوند و جامعه بین المللی باید از این لحاظ اطمینان حاصل کند.



دهکده کودکان "اس اواس" یک سازمان مستقل و غیردولتی است که برای پاسخگویی به نیازها و حفاظت از منافع و حقوق کودکان از جمله کودکان پناهجو و خانواده های شان در جهان تلاش می کند

دهکده کودکان "اس اواس" یک سازمان مستقل و غیردولتی توسعه بین المللی است که از سال ۱۹۴۹ برای پاسخگویی به نیازها و حفاظت از منافع و حقوق کودکان از جمله کودکان پناهجو و خانواده های شان تلاش می کند.

### 244 خانواده بیجا شده در قندهار از مساعدت نقدی مستفید شدند (وب سایت وزارت)



پته: د کډوالو او راستنیدونکو چارو وزارت، د جنگلک فابریکی شاته، ۷ ناحیه کابل افغانستان



ریاست امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت قندهار به روز دو شنبه 13 دلو از مساعدت نقدی برای 244 خانواده بیجا شده ناشی از جنگ در آن ولایت خبرداد.

این خانواده‌ها قبلاً از اثر حملات طالبان از ولایات هلمند ارزگان و ولسوالی های ارغنداب، ژیری، پنجوایی، میوند ولایت قندهار به مرکز ولایت بیجا و توسط این اداره شناسایی شده بود.

کمک یاد شده به هرفامیل مبلغ 15 هزار و 350 افغانی از طرف سازمان بین المللی مهاجرت یا IOM بوده که با حضور نماینده این اداره و موسسه یاد شده توزیع شد.

### انجمن امدادی کلیسای در آلمان خواهان کمک به مهاجران در بوسنیا شد (مهاجر نیوز)

انجمن دیاکونی در آلمان ضمن انتقاد از وضعیت زندگی پناهجویان در مرز بوسنیا با کرواسیا، از حکومت آلمان خواست که به آن ها کمک کند. سه شنبه بعد از ظهر صدراعظم آلمان به قصد تبادل نظر راجع به سیاست مهاجرت با سازمان های مختلف دیدار می کند .

انجمن امدادی کلیسای به نام دیاکونی در آلمان قبل از دیدار انگلا مرکل، صدراعظم این کشور با نمایندگان سازمان های حامی مهاجران، خواهان پذیرش پناهجویانی شد که در مرز بوسنیا با کرواسیا گیر مانده اند.

ماریا لوهاید، از اعضای هیئت رئیسه دیاکونی روز دوشنبه در برلین گفت: « مردم تحت شرایط غیرقابل تحمل در جنگل ها و تاسیسات متروکه صنعتی زندگی می کنند و پیوسته سعی می کنند به منظور ارائه درخواست پناهنده‌گی وارد اتحادیه اروپا شوند ».

او برخورد بی رحمانه پولیس مرزی کرواسیا با پناهجویان را غیرقابل تحمل خواند. لوهاید در ادامه گفت، حالا این ۱۰ هزار پناهجویی که گیرمانده اند، باید از آن جا (به کشورهای دیگر) انتقال داده شده و تقسیم شوند. ... آلمان می تواند این مهاجران را قبول کند.»





بسیاری از مهاجران در شمال بوسنیا در کمپ های موقت و ساختمان های متروکه زندگی می کنند./عکس:

لوهایده از حکومت آلمان فدرال خواست که در سراسر اروپا از کمک به پناهجویان در مرز بوسنیا با کرواسیا پشتیبانی کنند.

لوهایده گفت، ما «به هیچ صورت و هیچ وجه» نباید به وضعیت کنونی عادت کنیم. آلمان و کشورهای اتحادیه اروپا نباید این موارد نقض قانون را بیشتر از این تحمل کنند.»

مرکل سه شنبه بعد از ظهر با نمایندگان سازمان های مختلف از جمله با نمایندگان اتحادیه های اجتماعی، انجمن های مذهبی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی، علمی، فرهنگی و سازمان های حامی مهاجران دیدار می کند. هدف از برگزاری این جلسات تبادل نظر راجع به سیاست مهاجرت در دوران همه گیری کرونا است.

بربنیاد اطلاعات اشتفان زایبرت، سخنگوی حکومت آلمان فدرال این نهمین دیدار از این نوع است که برگزار می شود.

برگزاری این جلسات از زمان بحران مهاجرت در اروپا و آلمان در سال ۲۰۱۵ آغاز شده است.

## خان چهار باغ ولسوالی ای در فاریاب که تنها یک قابله دارد ( رادیو آزادی )



فرشته یولداش، یگانه قابله‌ی ولسوالی خان چهار باغ در ولایت فاریاب

### خان چهار باغ ولسوالی ای که تنها یک قابله دارد.

هرچند ولسوالی خان چهار باغ از ناامنی‌های یک دهه اخیر فاریاب در شمال افغانستان دور است، اما هنوز هم زمینه‌های فعالیت برای زنان در این ولسوالی محدود است.

فرشته یولداش یگانه قابله در ولسوالی خان چهار باغ ولایت فاریاب است که ۱۰ سال می‌شود بدون همکار به وظیفه‌اش ادامه می‌دهد، می‌گوید که بیشترین روزهای هفته به علت ازدحام مریضان تا شام در مرکز صبحی جامع خان چهار باغ کار می‌کند.

قابله فرشته در صحبت با رادیو آزادی می‌گوید وی در یک خانواده روشن به دنیا آمده اما در ابتدای کارش در جامعه مردسالار کار کردن در مرکز صبحی برایش مشکل بود. اما حالا به علت نبود قابله دیگر در این مرکز، مردم محل حضور وی را استقبال می‌کنند.





مرکز صحتی خان چهار باغ ولایت فاریاب

فرشته گف: "هرچیز از خودش باشد مفیدتر و مهم تر می شود مه که از طرف شب نیستم باز مردم خودشان به مشکلات هستند. اکثریت نمی توانند به شفاخانه دیگر بروند در خانه ولادت می کنند، خونریزی ها و یا یگان مشکلات دیگر تا صبح می نشینند باز صبح می آیند اگر یک قابله موظف و یا یک قابله دیگر که از قابلیت عالی فارغ شده باشد اینجا باشد بهتری شود. مشکلات زیاد است نوکری وال هم باشد یک داکتر دیگر هم باشد از طرف شب یک قابله دیگر هم باشد خوب تر می شود".

داکتر عزیز آمر این مرکز صحتی نبود همکار زن برای فرشته را تائید می کند. به گفته داکتر عزیز مرکز صحتی جامع برای این ولسوالی کفایت نمی کند.

به گفته خودش از طرف شب هیچ داکتری در این مرکز صحتی حاضر نمی باشد. از سوی هم نبود لابراتوار و امبولانس موضوع دیگریست که ساکنان محلی خان چهار باغ از حق استفاده از آنان محروم اند.

وی خدمات ۲۴ ساعته صحتی را به مردم خان چهار باغ نیاز مبرم میداند.

داکتر عزیز می گوید: "چون در این ولسوالی اکثریت باشنددهای آن مردم غریب و نادار اند، درآمد شان خیلی پایین است. از یک طرف وضعیت کرونایی و از طرف دیگر زمستان شدید وضعیت مردم را خیلی خراب کرده، تمام مردم به کلینیک مراجعه می کنند و اکثریت خطوط راهها هم خوب است یک نفر داکتر و یک نفر کلینیک به میزبان رسیدگی کرده نمی توانند".

برخی ساکنان محلی نیز می گویند به علت نبود قابله دیگر و خدمات صبحی ۲۴ ساعته یک الی دو روز قبل از مراجعه به مرکز صبحی از آن وقت می گیرند.

سهیلا یکی از مراجعان امروزی است که می گوید مریضی اش را به داکتر مرد گفته نمی تواند روی این علت از این که امروز برایش نوبت نرسیده است، دوباره بدون معاینه به خانه اش برگشته است.

سهیلا گفت: "بسیار عذاب می بینیم شفاخانه اندخوی دور است آمدن به آنجا مشکل است. در هیمن کلینیک شب و روز باید داکتر باشد، از راه دور می آیم زنان حامله و یا هم مریضی دیگر حتما از طرف شب پیدا می شود، ما مردم خان چهار باغ بسیار با مشکلات مواجه هستیم".



### مرکز صبحی در ولسوالی خان چهارباغ ولایت فاریاب

ریاست صحت عامه فاریاب نیز نبود قابله دیگر در مرکز صبحی خان چهار باغ را تأیید می کند.

داکتر محمد نعیم مصمم، رئیس صحت عامه فاریاب به رادیو آزادی گفت، ارتقاع کلینیک خان چهارباغ را در سال گذشته از هشت نفر به ۱۹ نفر بشمول لابراتوار دو قابله و امبولانس پیشنهاد کرده، به وزارت صحت عامه فرستاده اند اما تا هنوز پاسخی از وزرات نیامده است.



اما وی مشخص نگفت که ساکنان محلی خان چهار باغ از مشکلات ناحیه صبحی چی زمانی خلاص خواهند شد؟

### کاوه؛ گلوی نسل نامراد (هشت صبح)



هر جوانی از نسل من، دست کم با یک بیت از مثنوی «مادر» رابطه بسیار محکمی قایم می کند. آنچه قبای بقا و جلا به تن این مثنوی می کند و از شنفتنش مستمعان بی سواد منقلب و مفتون می شوند، اصالت و سره بودن آن است. این مثنوی، صرفاً خطوط موازی عروضی مزین روی اوراق نیست، این خلاق با معانی و مفاهیم مطروحه در این شعر نفس کشیده و زیسته اند. صانع این مثنوی خلاف عرف و تداول شعرای هم زبانش میناگری نمی کند و سر آن ندارد که سیطره و کیایی خویش بر زبان را به رخ بکشد و شعر را مایه تفاخر و مباحثات خویش قرار دهد. عزم گفتن حرف دلش را دارد، بی هیچ جلال و جبروتی. همان سان که است. همین پاکی و خلوص است که خالق این اثر، کاوه جبران را در چشم من گلوی نسل نامرادم می کند. این نبشته، کوششی برای گشودن پهلوهای پنهان زیبایی اشعار جناب جبران تا پهنه اندک سواد محرر است.

اشعار کاوه جبران، همه در قالب های کلاسیک و به طور خاص بیش ترشان در قالب غزل نقش هستی یافته است. با تندبادی که نیما یوشیج در شعر پارسی راه انداخت، قالب های کلاسیک دیگر جایگاه رفیع روزگاران گذشته را باخت. شاملو و هم قماش های او که اصلاً شاعری نظیر سعدی را دیگر به زر ناسره هم خریدار نبودند. شاملو در سخنرانی معروفش در دانشگاه برکلی به یک غزل از سعدی و تمام آنچه او «ادبیات منظوم» می خواند و آن ها را شعر نمی دانست، تاخت. هجو و تنزیل اشعار موزون و قالب های کهن تبدیل

به عادت شاملو شده بود. البته، من با پاره‌ای از نقدهای شاملو همدل و موافقم. غرض و غایت‌م از این سخن، این نکته است که شاعران نیمایی نسبت به ظرفیت قالب‌های کلاسیک برای شکل‌گیری شعر جدی و معاصر در آن، ظنن و بدگمان بودند. شاملو حتی شعر نیمایی را که از وزن به گونه نامساوی بهره می‌برد، «خفه‌کننده» می‌دانست، غزل و قصیده و مثنوی که بماند جای خودشان. کاری که آقای جبران و امثال هنردانش کردند، تثبیت ظرفیت قالب‌های کهن برای پرشدن از هنر به معنای نوین و جدی بود. کاه جبران در تجربه‌های ناب شعری خودش به گستره امکان نوین و معاصر بودن غزل جوان پارسی فراخنا و وسعت پیش‌تری بخشیده است. تأثیر شعر او بر شعر شاعران هم‌نسل من اجتناب‌ناپذیر است.

اما در مورد آنچه این اشعار احتوا می‌کند، اولین نکته بارز، آوردن جسارت در شعر است. این که شاعر اصالت و حقیقت شعرش را قربانی مصلحت و سنت نمی‌کند. هنر به معنای عمیق و دقیقش نسبت به واکنش جمعی بی‌تفاوت است و به‌به و چه‌چه رصد نمی‌کند. به تعبیر یک شاعر سمبولیست فرانسه: «شعر را باید به نیت در اقیانوس افکندن سرود». نمونه‌ها برای استناد در همه موارد متذکر در این نبشته بسیار و وافر است؛ اما مجال آوردن همه در این مختصر نیست و مشتاقان می‌توانند به نسخه مبسوط همین نبشته رجوع کنند. در این مورد مثالی که می‌شود آورد، این بیت شهیر است: «نبض زمانه را کس جز ما نمی‌شناسد - یک شب بهای سکست لطفاً بگو که چند است؟»

نکته دوم، بهره‌وری دلیرانه از واژه‌گان فرهنگ عامیانه و مروج در میان توده‌ها است. این مورد محتوای شعر را با تجربه زیسته و تار و پود زنده‌گانی مخاطب بخیه می‌زند. شعر را از آن جایگاه شیک فرهنگی به میان جامعه می‌برد و فاصله میان شاعر و شنونده را پر می‌کند. این که شعر الزاماً کلمات شکوهمند و حاکی از دانش بلند شاعر نیست و می‌تواند بیان‌گر حال یک عامی، به همان شکلی که هست، باشد. این که شاعر می‌تواند، گلو و صدای نسل خودش باشد. مثال‌های این شیرین کاری بسیار است. با تورق ساده‌ای «ترانه و تروریست» و «آفتاب تعطیل»، نمونه‌های بسیاری خواهید دید. به این بیت توجه کنید: «جان من "جور و تیار" است، چرا مشکوک؟ - به دعای تو دو تا دیده پر نم دارم.»

نوبت می‌رسد به «نامرادی» که اشاره‌ای به آن در ابتدای نوشته رفت. عصیان و تلخ‌کامی را مانند خیرات در میان هم‌نسل‌های من توزیع کرده‌اند. نسلی که با «رخنامه و انتحاری» بزرگ شد. نوشداروی «امید» را با زهر «یاس» درهم آمیخت و سرکشید. در خانه، کامو و کافکا خواند و در مسجد قاعده بغدادی. نسلی که با رویای کوه در دل مرداب، نیلوفروار سر برآورد. طومار این نسل سر دراز دارد. باری، هنگامی که دید در چه گندابی گیر مانده و حتی حق بدیهی حیاتش به پوزخند هراسناک بی‌ارزش تبدیل شده است، دچار نیست‌انگاری یا همان نهیلیسم شد. نهیلیسم یعنی دیگر دست و پا نزدن و معترف به بی‌معنایی و ناعادلانه بودن این دم و دستگاه بی‌در و پیکر. این صورتی از نهیلیسم در میان جوانانی که در بیست سال اخیر بالیده‌اند، بسیار شایع و فراگیر است. کاه جبران هم صدای رسای این نسل نامراد شده است. در این مورد هم مثال بسیار است. تمام این غزل: «زنده‌گی فلسفه باطل سرگردانی» و بسی بیت‌های دیگر که فقط یکی از آن‌ها را و آن را هم در جهت نشان دادن توان شاعر در بومی‌سازی این تفکر می‌آورم: «یک شاخه گل برایت سوغات خواهم آورد - آن هم اگر نمردم، از دست انتحاری.»

حرف بعدی هم ابداع تصاویر و استعارات و مدرن بودن این اشعار است. هر اثر هنری واقعاً مدرن، ریشه در سنت خود دارد. شرط نوین و یا مدرن بودن، به کار بستن واژه‌های انگلیسی و یا حتماً در سبک اشعار



غربي شعر گفتن، نیست. به گمان من مدرنیت در برقراری یک ارتباط صادقانه و هنرمندانه با زمانه خود و تعهد به ارزش‌های مدرن داشتن است. یعنی جهان را با هیچ عینک ایدیولوژیک و آگاهی کاذبی ندیدن و جوهر قلم خود را صرف درفش‌های سیاه و سرخ نکردن. این گونه اثر هنری نه فقط فراتر از جهان‌بینی‌ها است، بلکه فرازمانی نیز است. چون بر دغدغه‌های ناب انسانی بنا شده است. عشق و سعادت و آزادی و امثال این‌ها، تمنای بشر بوده است و همواره خواهد بود. این بیت شیرین را که قید تاریخی ندارد، تا همیشه می‌توان خواند: «بحث تنها سر آن چهره گلگون تو نیست - گله از بخت پدر لعنت خود هم دارم.»

در پایان هم گفتنی است که ناگفته‌های بسیاری ماند. عمیق بودن این شعر: «پشت این شب تاریک، روز روشن است اما - آفتاب فردا هم شام در عقب دارد.» «نقدهای نهفته در این اثر: «ما بهشت و حور غلمان را به دور انداختیم - گور بابایش، به هر سرمایه‌داری می‌رسد.» زیبایی‌های ستودنی در این شعر: «به روی دامن سبزه پرنده‌ای افتاد - برای این که تنت بوی آسمان می‌داد.» یک شمار مشخصات دیگر از قلم ماند، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. در ثانی، همه این نبشته، خوانش و دریافت «من» از اشعار آقای جبران بوده است. هیچ بعید نیست که خود شاعر هم در همه موارد هم‌نظر من نباشد، اما تحلیل و فهم من از آثار او همین‌هایی بود که آوردم. اگر همین اشعار را کسی با رویکرد انتقادی بخواند، ممکن به نتایج دیگری برسد. باری، خوانش بنده همین است که هست. چنان که تارکوفسکی گفت: «هنرمند به جای آن‌هایی که توان حرف زدن ندارند، حرف می‌زند.» کاوه جبران به جای ما حرف زد. من این مرد بسیار محترم را صدا و نماد نسل خودم می‌دانم.